

## □ دکتر سید محمد حسینی

در آثار خواجه، اثرپذیری و اقتباس از قرآن کریم و احادیث نبوی بسیار چشمگیر است. تلمیح و اشاره به داستانها و قصص قرآنی و سخنان مشهور پیامبر اکرم (ص) و دیگر بزرگان دین و رویدادهای پرآوازه تاریخ اسلام، نیز به فراوانی دیده می‌شود.

بیشتر آیات و احادیثی که به اقتباس یا به تلمیح در دیوان اشعار خواجه گرامی آمده، سرشار از بار مفاهیم عرفانی است. وی در بکارگیری آیات و احادیث، استادی و کارآمدی شایسته‌ای از خود نشان داده است. او در این راه، هم از روش علمای سنت و جماعت، و هم از شیوه علمای شیعه سودجسته است، بدین معنا که هم از احادیث مورد استناد اهل سنت و شیعه بهره می‌گیرد و هم از احادیثی که تنها مورد استناد شیعه است.

یادآوری این نکته بجاست که تنها در بهره جستن از آیات قرآن و احادیث نبوی نیست که خواجه دلچسپی خود را نسبت به خاندان پیامبر گرامی اسلام و امامان شیعه، بویژه به علی بن ابی طالب (ع) نشان داده است. در دیوان وی قصیده‌هایی بلند و پر بار در ستایش ائمه و بزرگداشت آنان، موجود است.

خواجه در بهره‌گیری ترکیب‌هایی از قرآن کریم، همچون «روضه خلد»، «روضه رضوان»، «گلزار رضوان» و ترکیب‌های گونه‌گونی از جمله استفهام تقریری «الست بریکم...» مانند «جام‌الست»، «شراب‌الست»، «بزمگاه‌الست»، نیز ترکیب «سیدبیزاء»، «نون‌والقلم»، «دارالسلام»، «شهاب‌ثاقب»...

بی‌گمان بر لسان الغیب، خواجه نامدار شیراز، پیشی داشته است. ارزشهای هنری در شعر خواجه و خواجه در اینجا مورد بحث نیست.

سخنسرای گرانمایه گرامان در قصیده‌ها و سروده‌های ستایشی خود بیشتر از آیات و احادیث سودجسته است.<sup>(۱)</sup> در غزلها و دیگر سروده‌های خویش البته در غزلها نیز از این دو سرچشمه جوشان ادب اسلامی، بی‌بهره نمانده است.

## اقتباس از آیات قرآن:

در نخستین صفحه از اولین قصیده دیوان وی که در نعت و ستایش پیامبر اسلام (ص) است: بیش از ده نمونه اقتباس از آیات قرآن و احادیث نبوی و تلمیح به آیات و احادیث، به چشم می‌خورد. در قصیده‌های دیگر نیز، تا حدودی همین روش، به کار رفته است.<sup>(۲)</sup> اینک به نمونه‌هایی از آیات قرآن و قصص قرآنی و احادیث که به

اقتباس یا تلمیح، در اشعار خواجه آمده است، می‌پردازیم.

خواجه در این بیت:

«سلیل بوستان شرع، اختر آسمان دیسن  
کوکب دری زمین، دری کوکب سما»  
به آیه معروف «الله نور السموات و الارض مثل نوره  
کمشکوة فیها مصباح، المصباح فی زجاجه. الزجاجه  
کانها کوکب دری»<sup>(۳)</sup> نظر داشته است.

نیز در بیت:

«هستی امر کن فکان مقصد حرف کاف و نون  
برق روبراق ران، خاکی عرش مستکا»  
به آیه «انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون»<sup>(۴)</sup> چشم داشته است و به داستان معراج پیامبر اسلام نیز تلمیح دارد.

همچنین در این بیت:

«شمع سراچه اسیت اختر برج لودنوت  
تسارک دنیی دنی مالک مسلکت دنا»

خواجه به دو حدیث مشهور و یک آیه، اشاره دارد. درباره حدیثها، پس از این، گفتگو خواهد شد. آیه در باره معراج پیامبر گرامی اسلام و رسیدن او به برترین پایگاه قرب الهی است: «ثم دنا فتدلی فکان قاب قوسین  
أو أدنی»<sup>(۵)</sup> نیز در بیت زیر از همین قصیده:

«تازی شیرینی لقب، مسکی هاشمی نسب  
معتکف سرای وحسی، امسی امستی سرا»

از یک آیه دیگر، سودجسته است:

«الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى یجدونه  
مکتوبا عندهم فی التوریه و الانجیل»<sup>(۶)</sup>

در بیت‌های زیر از همین قصیده، شاعر عارف، به اقتباس یا به تلمیح، از آیه‌های دیگر، بهره برده است.

خورده به آب روی او، نوح درودگر قسم  
کرده به خاک کوی او، آدم خاکی التجا

چون در اگر یتیم شد، بودبهای او فزون  
زانکه خرد فزون نهد، در یتیم رابها

ای زمضیق کن فکان، سوی مکان لامکان  
رانده وباغ سدره را دیده به دیده منتهی

عقل چو دید کاسمان، پیش تو در رکوع شد  
نزد قیام قامتت، داد صلا را صلا

در بیت نخست این ابیات، خواجه آیه «فتلقى آدم من  
ربه کلمات فتاب علیه»<sup>(۷)</sup> تلمیح داشته است. بر پایه

روایت اهل بیت (ع)، آدم به هنگام توبه، دست به دامان پیامبر اسلام و اهل بیت او شد.<sup>(۸)</sup>

بیت دوم اقتباسی است از آیه «الم یجدک یتیمًا  
فأوی»<sup>(۹)</sup>

بیت سوم تلمیحی است به داستان معراج و اقتباسی است از آیه «ولقد آراه نزله أخری عند سدره  
المنتهی»<sup>(۱۰)</sup>

در بیت چهارم، تلمیحی است به آیه درود فرستادن

# اقتباس خواجه از آیات قرآن و احادیث

بر پیامبر اسلام (ص):

«ان الله وملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا  
صلوا علیه وسلموا تسلیما»<sup>(۱۱)</sup>

همچنین بیت‌های زیر:

«به فهم و علم سلیمانی آن نثی که ندانی  
ادای لحن چکاوک زبانگ پرده عنقا»

«تویی محمد ودانی که سامری به جهالت  
برد فسانه گوساله پیش معجز موسی»

«راز آن به نزد تو اشعار بنده آب ندارد  
که شعر او همه سحر است و خاطرت یدبیزاء»

«زین سفینه دم زند من عنده علم‌الکتاب  
کاب حیوان هست پیش بحر او از خجلت آب»

بیت نخست، تلمیح به آیه‌ای است که پیرامون آشنایی سلیمان پیامبر به زبان مرغان، سخن دارد: «وقال  
یا ایها الناس علمنا منطق الطیر وأوتینا من کل  
شیء»<sup>(۱۲)</sup>

در بیت دوم، خواجه دست کم به سه آیه از آیات قرآن تلمیح داشته است: «... و اضلهم السامری»<sup>(۱۳)</sup> «فأخرج  
لهم عجلًا جسداً له خوار...»<sup>(۱۴)</sup> «واضمم یدک الی  
جناحک تفرج بیزاء من غیر سوء آیه آخری»<sup>(۱۵)</sup>

دو واژه «ید» و «بیزاء» در پنج سوره قرآن آمده  
و نمایشگر یکی از معجزه‌های موسی بن عمران (ع) است.  
گویا ترکیب «ید بیزاء» را شاعران ایرانی از این دو لفظ،  
ساخته و در اشعار خود به کار بردمانند.

بیت چهارم، اقتباس از آیه زیر است:

«قال الذی عنده علم من‌الکتاب انا ایتیک به قبل ان  
یرتد لیک طرفک»<sup>(۱۶)</sup> این آیه درباره اصف بن برخیا  
وزیر سلیمان نبی ویا درباره یکی از فرشتگان زیر فرمان  
سلیمان است که به سلیمان پیامبر گفت: «من در یک  
چشم به هم زدن، تخت ملکه سبا (بلفیسن) را نزد تو  
خواهم آورد».

در بیت‌های زیرین، خواجه به آیاتی دیگر، چشم داشته  
است.

«بحر او بحر محیط و بیت او بیت الحرام  
باب او باب الجنان و فصل او فصل الخطاب

ز آسمان آمد کتاب و من بدین عالی کلام  
بگذرانم ز آسمانش چون دعای مستجاب

گرفلک پیشش نماز آرد نباشد عیب از آنک  
بیت معمور است، هر بیتش ز روی انتساب»

«ساکنان سده در گاه او خیرالانام  
حاسدان حضرت اعلائی او شرالدواب»

«مفتی درس الهی، صوفی صف صفا  
معنی گیسوی او واللبلل و عارض والضجی»

«خسرو عرش آستان گرسی نشین کبریا  
مهبط ناموس اکبر رحمة للعالمین»

بیت نخست به اقتباس از دو آیه، «جعل الله الکعبه البیت  
الحرام»<sup>(۱۷)</sup> و «و شددنا مسلک و آتیناه الحکمة و  
فصل الخطاب»<sup>(۱۸)</sup> سروده شده است. آیه دوم در باره



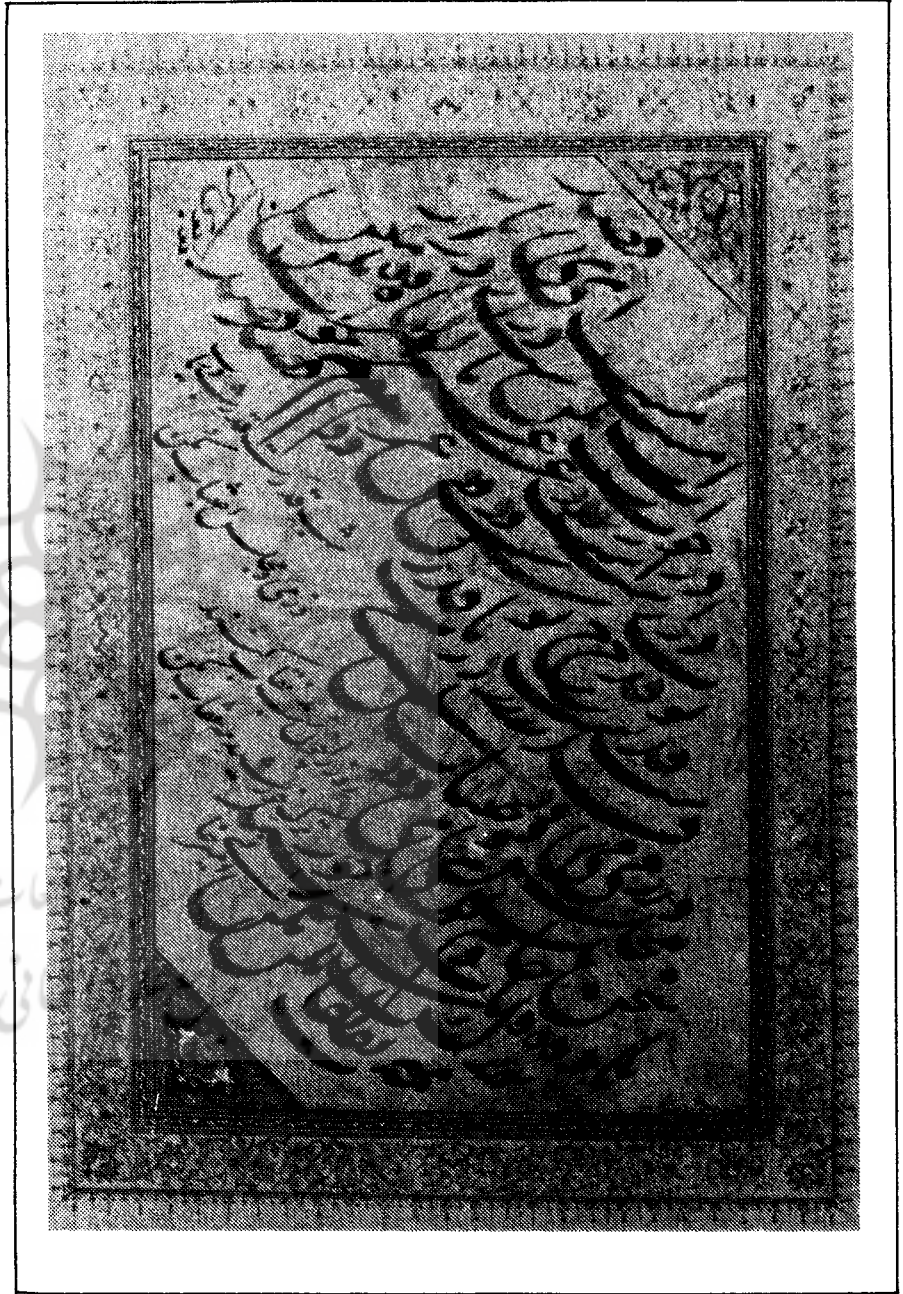
بارگاه اجتناب بر ذروه علیا زده  
 خیمه لولای (۵۱) بَرنه خرگه مینازده  
 در دل شب بانگ سبحان الذی اُسری زده  
 بر در قصر فَاوَحی کوس ماوَحی زده  
 آدم خاکی هنوز از آب و گل دمنازده  
 خاک پایت بود کحل قاصرات الطرف عین  
 ای تو در بستانسرای لی مع الله خوش نظر  
 کرده بر صدر الم نشرح دل پاکت مفر  
 در شبستان آبیست افکنده خوان ماحضر  
 و ز سرانگشت تو منشق ماه زرین را سپر  
 نرگس مکحولت از بستان مازاغ البصر  
 و ز عقیقت درج لا اَحصى ثنای پر گهر  
 سربرآر از مرقدومستان غفلت را نگر  
 دیده بگشای و گنهکاران امت را بین

چنانکه در آغاز مقاله نیز یاد شد، خواجو در بیتهای بسیاری، از ترکیب جمله «الست» با واژگان دیگر، سود جسته است، ابیات زیر، از آن جمله‌اند:

«برند دوش به دوشش به خوابگاه ابد  
 کسی که کرد صبحی به بزگاه الست»  
 «آن زمان مهر تو می‌جست که پیمان می‌بست  
 جان من با گره زلف تو در عهد الست»  
 «هر که نوشید می بیخودی از جام الست  
 مست و مدهوش سر از خاک برآرد به نشور»  
 «عقل در این دیر کیست، مست شراب الست  
 روح در این باغ کیست، بلبل بستان عشق»  
 «هشیار کی شویم که از ساقی الست  
 بر یاد چشم مست تو ساغر گرفته‌ایم»  
 «تا قیامت تو میندار که هشیار توان شد  
 زین صفت مست می عشق تو کز جام الست»  
 «تا ابد کی به هوش باز آید  
 هر که بیخود شد از شراب الست»

همه این بیتها، اقتباسی است از آیهای که در آن از «عالم ذر»، یا به گفته «فیض کاشانی»، از «حقایق» و «جوهر» همه فرزندان آدم، سخن رفته است. خداوند، «جوهر» آدمیان را مورد خطاب قرار داده و خود آنها را بر این معنی که آفریدگار خود را شناختند، گواه ساخته و بر پایه این اعتراف، از آنان پیمان گرفته است: (۲۷)  
 «فرشتگان خدا نیز بر این پیمان آدمیان گواه گشتند تا فرزندان آدم در روز رستاخیز نگویند که ما بدان آگاه نبودیم» (۲۸)  
 آیه این است:

«و اِذَا اخَذَ اللهُ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ اَشْهَدَ مِنْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلٰى شَهِدْنَا اَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غَافِلِيْنَ.» (۲۹)  
 شاعران عارف مسلک پارسی و تازی، از دیرباز در سرودهای خود، از این آیه، الهام گرفته‌اند. باباطاهر، دیگر، سروده است:  
 «مواز قَالُوا بَلٰى تشویش دیرم  
 گنه از برگ و باران بیش دیرم  
 اگر لا تَقْنَطُوا دستم نگیرد  
 مواز یاوِیْلِنَا اندیش دیرم»



لا یعقلون (۳۳) «بدترین جانورانی که بر روی زمین راه می‌روند، (کافرانی هستند) که چون کران و لالان، چیزی در نمی‌یابند» «واللیل اذا يغشى» (۳۴) «والضحی» (۳۵). «و ما ارسلاک الا رحمة للعالمین» (۳۶). در مسطی که خواجوی بزرگ، در ستایش پیامبر گرامی اسلام سروده، شمارچشمگیری از ابیات از آیهای قرآن یا احادیث نبوی اقتباس شده است.

به دو بند از این مسط بنگریم:  
 «ای علم بر تختگاه عالم بالا زده  
 نوبت صبح دنا بر بام اودنی زده

داود نبی (۴) و شیوه داوری او در میان مردم است. «فصل الخطاب» یعنی به کاربردن آگاهی شایسته در کارداوری و قضا، به گونه‌ای که هر دو طرف دعوا، بدان خرسند گردند. (۲۰)

بیت دوم به آیه «الیه یصعد الکلم الطیب» (۲۱) «...» تلمیح دارد. بیست سوم اقتباسی است از آیه «والبیت المعمور» (۲۲).

سه بیت دیگر نیز به ترتیب، هر کدام اقتباسی است از یکی از آیهای زیرین:  
 «ان شرالدواب عندالله الصم البکم الذی



جز آنچه گذشت، ابیات بسیار دیگری نیز در دیوان **خواجوی کرمان** آمده که در هر یک از آنها، صنعت اقتباس یا تلمیح به آیه و حدیثی، به کار رفته است.

در زیر، نمونه‌هایی از آنها را می‌خوانیم:

- «ای بظلمات لعمرك (۳۰) برق قدر تو راست

چون تو شمشادی زباغ قم فانذر (۳۱) بزخواست»

- «بر سر دوش تو آن مرغول جعد مشک ساست

یا فراز شاخ سدره (۳۲) شهر روح الامین»

- «دلیم به غمزه و ابروی اوبه مکتب عشق

امیدوار چو طفلان به نون والقلم است (۳۳)»

- «دهد دو دیده من شرح مجمع البحرین (۳۴)

کند جمال تو تقریر فالق الاصباح»

- «تو از جراحت دل‌های خسته نندیشی

که در ضمیر نیاری که الجروح قصاص (۳۵)

- «عقل چون دید اهل میکرده را

گفت: طوبی لهم و حسن مآب (۳۶)

- «هر دم آرد باد صبح از روضه رضوان پیام

کاخرای دل‌مردگان جز یاده من یحیی العظام (۳۷)

- «ماه ساقی هورعین (۳۸) و جام صافی کوثر است

خاصه این ساعت که صحن باغ شد دارالسلام (۳۹)

- «اقصی خرام و بادیه پیمای لودنوت

گیتی فروز مملکت آرای والضحی (۴۰)

- «طایر طورم زبانگ لن ترانی گشته مست

سحر بابل (۴۱) درنگیرد باید بیضای من»

(۴۱)

### اقتباس از احادیث:

همانگونه که گفته شد **خواجو** در بسیاری از سرودهای خود، از احادیث نیز سودجسته است. نیز پیش از این گذشت که این احادیث بیشتر همانهایی است که در نوشته‌ها و گفته‌های عارفان و صوفیان، دیده می‌شود. از آن میان، سندهای یکی دو حدیث، به روشنی معلوم نیست، ولی باین همه، در مذاق اهل عرفان و تصوف، سخت پذیرفته است. در زیر، شماری از ابیاتی که **خواجو** آنها را به اقتباس از احادیث یا تلمیح به آنها، سروده است، آورده می‌شود:

- «گشوده دیده مازاغ در جهان ابیت  
فکنده تخت دنا در مکان اوداندنی»

- «خیاط کارخانه لولاک دوخته

دراعه ابیت به بالای مصطفی»

- «کشیده رخت لعمرك به خیمه لولاک

چشیده نزل فاوحی زخوان ماأوحی»

- «ز سفره انااملح طعام او نمکین

ز شکر اناافصح کلام او شیرین»

- «نرگن مکحولت از بستان مازاغ البصر

### و زعقیقت درج لاأحصی ثنای پر گهر»

بیت نخست، گذشته از اقتباسهای قرآنی، از یک حدیث مشهور نیز اقتباس شده است. پیامبر خدا (ص) مردم را از پیوستن در روز روزه به یکدیگر، باز می‌داشت. یکی از مسلمانان گفت: «ای پیامبر خدا ما را از این کار باز می‌داری، حال آنکه خود، دو روزه را به هم می‌پیوندی. پیامبر فرمود: «وایکم مثلی؟ انی ابیت یطعمنی ربی و یسقینی». (۴۲) کدام یک از شما چون من هستید؟ من به خواب می‌روم در حالی که پروردگارم به من خوراک می‌دهد و مرا سیراب می‌گرداند.»

در بیت دوم و سوم، **خواجو** گذشته از اقتباس از آیات، به یکی از احادیث یا سخنان منسوب به پیامبر اسلام (ص) نیز چشم داشته است. این روایت، در قالب‌های گوناگون، روایت شده است:

«لولاک لما خلقت الافلاک». «لولا محمد (ص) ما خلقت الدنيا والاخرة ولاالعرش ولاالكرسى ولاالسلوح ولاالقلم والالجنة، ولولا محمد ما خلقتک یا آدم». (۴۴)

بیت چهارم، اقتباسی است از حدیث، «کان یوسف حسنا ولکننی املح». (۴۵) در همین مصراع دوم همین بیت نیز، از یکی از سخنان منسوب به پیامبر اکرم، اقتباسی انجام گرفته است. آن سخن اینست: «انافصح من نطق بالضاد».

مصراع دوم بیت پنجم اقتباسی است از یک حدیث بسیار مشهور:

- «عن علی علیه السلام- ان النبی (ص) کان یقول فی آخر وتره: اللهم انی اعودبرضاک من سخطک، و اعودبمعافاتک من عقوقتک، و اعودبک منک، لاأحصی ثناء علیک انت کما اتینت علی نفسک». (۴۶)

در بیتهای زیر نیز اقتباسهایی از احادیث نبوی، صورت پذیرفته است:

- «سخنم سحر حلال است ولی گاه سخن

خجلت بابلیان از ید بیضای من است»

«روی تو قبله ملک، کوی تو کعبه فلک

معتقد تو قدنجا، مختلف تو قدهلک»

- «طاق ایوان نبوت را ز فرط کبریا

برده بر کیوان و آدم در میان ماوطن»

- «اقصی خرام بادیه پیمای لودنوت

گیتی فروز مملکت آرای والضحی»

- «ای تو درستانسرای می‌ع‌الله خوش نظر

کرده بر صدر الم نشرح دل پاکت مقر»

در این بیتهای، گذشته از اقتباسهای ظریف و هنرمندانه، از آیات قرآن، **خواجو** از احادیث نبوی یا سخنان منسوب به پیامبر (ص) نیز، اقتباسهایی کرده است. در مصراع اول بیت نخست، به اقتباس از حدیث معروف «ان من البیان لسحرأ»، (اسرا) (۴۷) دست زده است. مصراع دوم بیت دوم به اقتباسی از حدیثی بسیار مشهور- بویژه در عرف شیعه سروده شده و آن اینست: «مثل اهل بیتی مثل سفینه نوح (ع) من ركب فیها نجا، و من تخلف عنها غرق». (۴۸)



- حدیث ثقلین: «قد خلقت فیکم ما، ان تمسکتم به لن تضلوا، کتاب الله و عترتی اهل بیتی، فان اللطیف الخبیر انبأنی انهما لن یفترقا حتی یرداعلی الحوض، (یا بدین گونه: انی تارک فیکم الثقلین...» (۴۹)

نیز به معنی حدیث سفینه، نزدیک است. مصراع دوم بیت سوم، اقتباس از یک حدیث پیامبر است: «کنت نبیه و آدم بین الماء والطين» یا «کنت نبیا و آدم بین الروح والجسد». (۵۰)

دکتر مصطفی حلمی مؤلف کتاب «ابن الفراض والحب الالهی» درباره این حدیث و جمله‌هایی نظیر آن، که به پیامبر خدا (ص) نسبت داده‌اند، می‌نویسد:

«ابن فراض در بیتهایی از اشعار خود، به احادیثی اشاره دارد که وجود پیامبر اسلام را نخستین آفریده می‌دانند. درست بودن یا نبودن سندهای این احادیث، روشن نیست». وی همراه حدیث بالا، دو جمله زیر را نیز آورده است:

«انا اول الناس فی الخلق». «اول ما خلق الله نور نبیک یا جابر...» (۵۱)

ولی می‌بینیم که کتب حدیث، به خصوص حدیث بالا را تأیید می‌کنند، حدیث، «کنت اول النبیین فی الخلق و آخر هم فی البعث» (۵۲) نیز در همین معنی است. گویا مولانا در مثنوی خود، بیت زیر را با اشاره به همین حدیث سروده است:

«گر به صورت من ز آدم زاده‌ام  
من به معنی جد جد افتادام» (۵۳)

در مصراع نخست بیت چهارم، **خواجو** پس از تلمیح به معراج پیامبر و مسجدالاقصی، به حدیثی یا سخنی منسوب به پیامبر اشاره دارد که در مآخذ معتبر و شناخته شده، نیامده است. آن سخن، اینست:

«لودنوت افضله لاحتراق» (اگر یک سرانگشت پیشتر آیم، می‌سوزم)، می‌گویند این جمله را جبرئیل در پاسخ پیامبر اسلام گفته است. زمانی که پیامبر (ص) در شب معراج در مقامهای بالا دید که جبرئیل امین دیگر باوی همگامی نمی‌کند، به وی گفت: ای امین وحی چرا با من نمی‌آیی؟

«گفت جبرئیل بهر اندر پیم

گفت رورو، من حریف تو نیم»

جبرئیل در پاسخ، جمله بالا را گفت.

مصراع نخست بیت پنجم، اقتباس از کلامی منسوب به پیامبر خدا (ص) است که در بیشتر نوشته‌های عرفانی، از آن سخن رفته است، ولی در کتب پراعتبار حدیث، روایت نشده است:

«لی مع الله وقت لا یسعنی فیه ملک مقرب ولا نبی مرسل» (۵۴) (مرا با خدای خود، گاهی است که نه فرشتهای بلند پایه و نه هیچ پیامبری مرسل، ظرفیت برخوردار از آن را ندارد.) منظور، آن گاه و لحظهای است که پیامبر خدا در آن «گاه»، جز خدا، چیزی نمی‌دیده و حس نمی‌کرده است. او در آن غیبت عارفانه بسیار والا و دست نایافتنی، با همه چیز حتی وجود خودش، بیگانه و مجذوب خدا بوده است.





## اقتباس خواجه از سخنان امیرالمومنین علی بن ابی طالب (ع)

خواجه به جز اقتباس از احادیث نبوی، شمار قابل ملاحظه‌ای از ابیات دیوان خود را، به تلمیح یا به اقتباس از سخنان علی (ع) یا سخنانی که دیگران درباره امام گفته‌اند، آورده است. در زیر، چند نمونه از این بیتهای رامی خوانیم:

**«شیر خدا مخزن اسرار لوگشف  
جفت بتول ونقطه پرگار اجتبا  
مالک ملک سلونی، باب شهرستان علم  
سالک اطوار لم اعد شه تخت رضا  
-فرمانروای ملک سلونی، امیر نحل  
دارای دادگستر اقلیم هل آتی» (۵۵)**  
**«آن دسته بند لاله بستان هل آتی  
و آن قلعه گیر عرصه میدان لافتی»  
مصراع اول بیت نخست، اقتباس از این گفته علی (ع) است:  
«لوگشف القطاء ما ما زدت یقینا» (۵۶)**

(اگر پرده این جهان مادی را از میان بر می‌داشتند، بر باور من، چیزی افزوده نمی‌شد.) بیت دوم اقتباسی است از دو کلام مشهور علی (ع) و یک حدیث از پیامبر اکرم، سخنان علی (ع):

**«سلونی قبل آن تقدونی»، «لم اعد ربالم اره»  
(پروردگاری را که با چشم خود و یقین ندیده باشم، نپرسیدم.)**

**«أنا مدینة العلم و علی بابها، و من أراد العلم فلیات  
الباب» (۵۷)**

علی بن ابی طالب (ع) می‌گفت:

**«کنث والله أسائل فاعطی، وأسکت فابتدی، و  
بین الجوانح منی علم جم فأسألونی» (۵۸)**  
(سوگند به خدا که همواره از پیامبر خدا پرسش می‌کردم و پاسخ می‌شنیدم و خاموش می‌ماندم، بار دیگر پرسش آغاز می‌کردم. (از این رو) درون سینه من، دانش فراوانی گرد آمده است. پس آنچه می‌خواهید از من بپرسید.)

همین مضمون در نهج البلاغه در گفت و گوی علی (ع) با کمیل بن زیاد نفعی نیز آمده است. (۵۹) نزدیک به معنی «لم اعد ربالم اره...» این جمله امیرالمومنین است:

**«ما شککت فی الحق مذراة» (۶۰)**

امیر نحل در مصراع اول بیت سوم، ترجمه این جمله علی (ع) در نهج البلاغه است:

**«أنا یعسوب للمومنین و المال یعسوب الفجار» (۶۱)**  
(یعسوب: فرمانروا، ملکه زنبور عسل.)

شیخ طوسی درباره «هل آتی علی الانسان...» می‌نویسد: عامه و خاصه روایت کرده‌اند که آیات نخستین این سوره، درباره علی، فاطمه، حسن، و حسین (ع) است. زیرا ایشان در ماه رمضان، سه شب

پی در پی، خوراک خود را به مسکین و یتیم و اسیر، بخشیدند و خود گرسنه ماندند. از این رو مورد ستایش فریدگار جهان قرار گرفتند و این سوره درباره این رفتار شایسته آنان، نازل گشت» (۶۲)

مصراع دوم بیت پنجم، از یک سخن ستایش آمیز بسیار معروفی درباره امیرالمومنین علی (ع) اقتباس شده است:

**«لافتی الا علی، لاسیف الا ذوالفقار».**

### منابع:

- ۱- دیوان خواجه، به تصحیح احمد سهیلی خوانساری، کتابفروشی بارانی، تهران ۱۳۳۶.
- ۲- دیوان حافظ، به تصحیح قزوینی- غنی، چاپخانه مجلس، تهران ۱۳۲۰ ش.
- ۳- قرآن کریم.
- ۴- البیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی دار احیاء التراث العربی، لبنان (بی تاریخ نشر).
- ۵- مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، انتشارات آیتالله مرعشی، قم ۱۴۰۳ ق.
- ۶- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، فواد عبدالباقی، دارالفکر، لبنان (بی تاریخ نشر).
- ۷- المعجم المفهرس لالفاظ النبی، دکتر آ.ی. ونسنگ و دیگران، لسیدن ۱۹۶۵.
- ۸- سنن النسائی- محمد بن یمن بن عبدالله، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان ۱۴۰۸-۱۸.
- ۹- صحیح مسلم بم حجاج بشرح السنوی، دارالفکر، بیروت- لسیدن (بی تاریخ نشر).
- ۱۰- الجامع الصحیح، محمد بن عیسی ترمذی، دار احیاء التراث العربی، بیروت (بی تاریخ نشر).
- ۱۱- ترک الاطناب فی شرح الشهاب، علی بن احمد (ابن القضاعی) به کوشش محمد شیروانی، دانشگاه تهران ۱۳۴۲.
- ۱۲- الرسالة القشیریه، ابوالقاسم عبدالکریم القشیری، دارالکتب الحدیثه، قاهره مصر (بی تاریخ نشر).
- ۱۳- امامة علی بین العقل و القرآن، محمد جواد مغنیه، منشورات الاعلمی، بیروت- لبنان ۱۳۹۰ ق.
- ۱۴- کشف المحجوب، علی بن عثمان هجویری، امیر کبیر، تهران ۱۳۳۶.
- ۱۵- الايضاح، فضل بن شاذان، به تصحیح محمد آرموی، دانشگاه تهران ۱۳۵۱.
- ۱۶- گلستان سعدی به تصحیح دکتر خطیب رهبر، صفیعلی شاه، تهران (بی تاریخ نشر).
- ۱۷- نهج البلاغه، بشرح محمد عبده، دارالمعرفه، بیروت- لبنان (بی تاریخ نشر).
- ۱۸- احادیث منثوی، بدیع الزمان فروزانفر، امیر کبیر، تهران ۱۳۴۷.
- ۱۹- ابن الفارض و الحب الالهی، دکتر محمد مصطفی حلمی، دارالمعارف، مصر ۱۹۷۱.
- ۲۰- نشأة التصوف الاسلامی، دکتر ابراهیم پسیونی، دارالمعارف، مصر ۱۹۶۹.
- ۲۱- کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، محمد بن مرتضی فیض کاشانی، کتابفروشی اسلامیه، تهران ۵۳۶.
- ۲۲- منثوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی، نیکلسون، امیر کبیر، تهران ۱۳۳۶.

### پی نوشت:

- ۱۲- احزاب/۵۱
- ۱۳- طه/۸۵
- ۱۴- انا/۸۸
- ۱۵- طه/۲۲، نیز بنگرید: سوره‌های اعراف/۱۰۸، شعراء/۳۳، نمل/۱۲۲، قصص/۳۲.
- ۱۶- نمل/۴۰
- ۱۷- مجمع البیان، طبرسی، ۲۲۳/۴
- ۱۸- مائده/۹۷
- ۱۹- سوره ص/۲۰
- ۲۰- مجمع البیان، طبرسی، ۴۶۹/۴
- ۲۱- فاطر/۱۰
- ۲۲- طور/۴
- ۲۳- انفال/۲۲ و ۵۵
- ۲۴- الزلزال/۱، الضحی/۲
- ۲۵- الضحی/۱
- ۲۶- انبیاء/۱۰۷
- ۲۷- کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، فیض کاشانی ۶۲۴/۱
- ۲۸- مجمع البیان ۴۶۷/۲
- ۲۹- سوره اعراف/۱۷۲
- ۳۰- سوره حجر/۷۲
- ۰ بی نوشت
- ۳۱- مدثر/۲
- ۳۲- نجم/۱۴
- ۳۳- سوره قلم/۱، دیوان ۲۱۱
- ۳۴- انعام
- ۳۵- مائده/۴۵، دیوان ۲۹۰
- ۳۶- رعد/۲۹، دیوان ۳۷۸
- ۳۷- یسنا/۷۸، دیوان ۴۶۶
- ۳۸- واقعه/۲۲، بیس دخان/۵۴، طور/۲۰
- ۳۹- انعام/۱۲۷، یونس/۲۵، دیوان ۴۶۶
- ۴۰- الضحی/۱، دیوان ۵۷۱
- ۴۱- اعراف/۴۳
- ۴۲- تلمیحی به داستان هاروت و ماروت در بابل و آیه... یعنون الناس السحرة و ما انزل علی الملکین هاروت و ماروت، بقره/۱۰۲
- ۴۳- صحیح مسلم ۲۱۵/۲- ۲۱۱ (الموم). وی این حدیث را در جوه گونه‌گون آورده است. المعجم المفهرس لالفاظ النبی، دکتر آ.ی. ونسنگ و دیگران ۲۳۵/۱ به نقل از صحیح بخاری، تمیمی ۹، صوم ۴۸، ۴۹، ۵۰ حدود ۴۲، اعتصام ۵، السوطی مالک، صیام ۵۸، مسند احمد حنبل ۸۳، ۱۲۶/۱-۱۲۶/۸. کشف المحجوب هجویری ص ۳۶۴، ۴۱۶. احادیث منثوی، بدیع الزمان فروزانفر ص ۳۶
- ۴۴- احادیث منثوی، همان، ۱۲۲، ۲۰۳ (به نقل از التلوه المرموع ص ۶۶).
- ۴۵- احادیث منثوی، فروزانفر ص ۲۱ (به نقل از بحار الانوار، طبع کسبانی ج ۱۹۰/۲)
- ۴۶- (سنن النسائی ۲۲۳۲/۲، ۲۴۹۳)، (الجامع الصحیح، ترمذی ۵۲۴/۵)، (المعجم المفهرس، دکتر آ.ی. ونسنگ و دیگران ۳۰۵/۱، به نقل از مسند دارمی، صلاه ۱۴۸، وتر ۵، ابن ماجه، ص ۵۳، اقامه ۱۱۷، موطاء، مالک، سنن القرآن ۳۱، احمد حنبل ۹۷/۱، ۱۱۸، ۱۵۰، ۵۸۸/۳۰۱، صحیح مسلم، صلاه ۲۲۲)
- ۴۷- (صحیح مسلم ۱۵۸/۱)، (الجامع الصحیح، ترمذی ۳۷۷/۴)، (المعجم المفهرس لالفاظ النبی ۲۵۹/۱) به نقل از (بخاری، تکحیح ۴۷، طب ۵۱)، (دارمی، ادب ۸۷)، (احمد حنبل، جلدهای ۲۰۱، ۲۰۲، ۴) در بسیاری جاها، (ترک الاطناب، ابن القضاعی ص ۵۶۵)
- ۴۸- (ترک الاطناب ص ۱۰۷۲۹)، احادیث منثوی ص ۱۱۱ با اختلاف اندک در الفاظ (حدیث)
- ۴۹- الايضاح، فضل بن شاذان ص ۳۳۴، معانی الاخبار شیخ صدوق ص ۹۳-۹۰
- ۵۰- احادیث منثوی، فروزانفر ص ۱۰۲ (به نقل از مسند احمد حنبل ۶۷۴، الجامع الصغير، سوطی ۹۷/۲، کنوز الحقائق ص ۹۶)
- ۵۱- ابن الفارض و الحب الالهی ص ۳۶۱
- ۵۲- احادیث منثوی ص ۱۱۱ (به نقل از دلائل النبوه، حافظ ابونعمین اسفهانلی طبع حیدرآباد ۱۳۳۱)
- ۵۳- منثوی، جلال الدین محمد بلخی، طبع نیکلسون، دفتر ۴ بیت ۵۲۷
- ۵۴- کشف المحجوب، هجویری ص ۳۶۵، ۴۸۰، گلستان سعدی، تصحیح دکتر خطیب رهبر ص ۱۶۰، احادیث منثوی، فروزانفر ص ۳۹
- ۵۵- سوره انفال/۱، دیوان ۵۱۷، نیز ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، نیز ۱۰۳، ۵۷۱
- ۵۶- علی بن ابن العقیل و القرآن، محمد جواد مغنیه ص ۱۰۵ و ۱۲۵
- ۵۷- احادیث منثوی، فروزانفر ص ۳۲ (به نقل از (الجامع الصغير ۱۰۷/۱، کنوز الحقائق ص ۳۸ با حذف ذیل حدیث)
- ۵۸- الايضاح، فضل بن شاذان ص ۴۶۷-۴۶۶
- ۵۹- نهج البلاغه، بشرح محمد عبده ۳۷۴
- ۶۰- نهج البلاغه، همان، ۳۹/۱
- ۶۱- نهج البلاغه، همان، ۷۵/۴
- ۶۲- التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی ۲۱۱/۱۰